

آیین چراغ برات، آیین گرامیداشت یاد درگذشتگان است



خانواده در سه روز منتهی به نیمه شعبان، بر مزار درگذشتگان حاضر می‌شوند و یادشان را گرامی می‌دارند



در خراسان نانی برای اموات می‌پزند که روغن جوشی نام دارد. آرد این نان شیرین و چرب با شیر و شکر و زعفران مخلوط می‌شود تا نان لطیفی درست شود. از قدیم در خراسان این نان را برای اموات خیرات می‌کردند

شکل باقی مانده است. ولی در بخش دیگری از ایران که عمدتاً شرق و خراسان بزرگ است این آیین را به ماه شعبان اسلامی بردند. حالا به این پرسش می‌رسیم که رسم فروردگان چه بود؟ زندگان عقیده داشتند اموات وقتی از این دنیا می‌روند دیگر قدرت و اختیاری ندارند. ولی باورشان این بود که در پنج روز پایان سال به ارواح درگذشتگان حتی اگر معذب در آن دنیا و در حال تنبیه باشند برات آزادی داده می‌شود و اجازه دارند به زنده‌ها سر بزنند، بعضی را تشویق و بعضی را ملامت کنند. آیین فروردگان برای استقبال از فرورها بود. به این ترتیب آن‌ها که تازه درگذشته‌ای داشتند، خانه‌هایشان را می‌روفتند، برای او غذای مورد علاقه‌اش را می‌پختند، شب‌ها چراغ داخل را روشن می‌گذاشتند و سردر خانه مشعل می‌افروختند تا فرورها راه را گم نکنند. خانه را تمیز نگه می‌داشتند، اگر با هم قهر بودند آشتی می‌کردند مبادا روح پدر و مادرشان بیاید پایین و از قهر آن‌ها ناراحت شود. برای مرده غذای مورد علاقه‌اش را که غذایی ملایم و لطیف بود در خانه می‌گذاشتند. مثلاً در خراسان نانی برای اموات می‌پزند که روغن جوشی نام دارد. آرد این نان شیرین و چرب با شیر و شکر و زعفران مخلوط می‌شود تا نان لطیفی درست شود. از قدیم در خراسان این نان را برای اموات خیرات می‌کردند تا مرده‌ها نان خشک و کهنه نخورند. علاوه بر آن روی قبر اموات سفره‌ای پهن می‌کردند و از غذایی که خودشان می‌پختند و می‌خوردند، همراه شیرینی و خرما و میوه روی قبر می‌گذاشتند تا مرده‌ها که بیرون می‌آیند غذا بخورند. این آیین فروردگان نام داشت و به مرور «چراغ برات» نام گرفت و به شب‌های منتهی به نیمه شعبان منتقل شد که خود ماجرای شنیدنی دارد. هنوز هم در آن، زندگان خوراکی‌های مورد علاقه ارواحشان را بر سر قبورشان می‌گذارند یا دم خانه‌ها خیرات می‌کنند. الان در منطقه خراسان هنوز این آیین را برگزار می‌کنند ولی مثلاً در شهری مثل تهران به عنوان چراغ برات شناخته نمی‌شود. در غرب کشور و حتی عراق عجم هم چراغ برات را به شکل خراسان نمی‌شناسند. بلکه آخرین شب جمعه اسفند سال خورشیدی یک شب سر قبور اموات می‌روند و خیرات می‌کنند. در خراسان با اینکه شب چراغ برات مصادف با ایام ولادت امام زمان (عج) است هنوز در بعضی جاها شب قبل از نوروز را عید مرده‌ها و خود نوروز را عید زنده‌ها می‌نامند. در عید مرده‌ها به یاد اموات حلو می‌پزند. با این آیین و باور که ارواح در آخر سال خورشیدی به زمین سر می‌زنند. با اینکه عمده مردم خراسان آیین فروردگانی را از آخر اسفند برداشته‌اند و به ماه شعبان برده‌اند و اسمش را چراغ برات گذاشته‌اند هنوز هم در غرب کشور در آخرین شب جمعه اسفند برقرار است و در خراسان هم عید مرده‌ها را پیش از عید زنده‌ها داریم.

● چرا شب‌های برات به نیمه شعبان رسید؟
امسال درست شب‌های آیین شعبانیه با شب‌های آخر اسفند به طور تصادفی یکی شده است و شاید همین موضوع ذهن‌ها را بیشتر به سمت این پرسش ببرد که چطور در قدیم شب‌های برات همیشه او آخر اسفند بود و چه اتفاقی افتاد که مراسم فروردگان و ایام اندرگاه به ولادت امام زمان (عج) رسید؟ پاسخ این پرسش از زبان یک پژوهشگر خراسان‌شناس شنیدنی‌تر است. سال عرب‌ها ۳۵۴ روز است. آن‌ها به دلیل اینکه ماه‌های عربی با ماه‌های خورشیدی انطباق پیدا کند از زمان قبل از پیامبر نسیء می‌کردند که در لغت به معنای فراموش کردن و به تأخیر انداختن است. به این ترتیب که در هر سه سال یک ماه را نام‌گذاری نمی‌کردند و ماه‌های قمری با خورشیدی یکی می‌شد. چون بیشتر اعراب دامدار، کشاورز و باغدار بودند به این ماه‌های خورشیدی نیاز داشتند تا به واسطه آن‌ها بدانند کی گوسفندان‌شان جفت‌گیری می‌کنند؟ کی موقع زایش است؟ کی باید بذر بپاشد و... به تازگی بعضی افراد نام‌طرح راجع به ماه‌های عربی وجه تسمیه‌هایی می‌تراشند که حقیقت ندارد. عرب‌ها چون دامدار و عشایر بودند بر مبنای زندگی دامداریشان ایام را نام‌گذاری می‌کردند. ماه فروردین را رمضان می‌گفتند چون وقتی در این ماه عرب به ریگ بیابان دست می‌زد، ریگ گرم شده بود و رمضه به معنای گرم شدن ریگ است. در این ماه آذوقه و محصول کم بود و بنابراین روزه هم می‌گرفتند. ماه بعد را شوال می‌گفتند چون شترها که دوره بارداریشان یک سال است در اردیبهشت دم‌هایشان را بالا می‌گرفتند و شول می‌کردند که یعنی «شتر ماده دُمش را بالا برد». خرداد و تیر ذی‌القعدة و ذی‌الحجه بود که سال تمام می‌شد. اعراب می‌رفتند سفر و زیارت و خریدهایشان را می‌کردند. عشایر دامدار در خرداد و تیر گوسفندان‌ش بره زاییده و آن‌ها را می‌فروشد و سال مالی اش تمام می‌شود. پس از آن شروع می‌کند به خرج کردن تا سال بعدی اش شروع شود. محرم‌شان با مرداد و صفرشان با شهریور همراه بود. ربیع‌الاول و ربیع‌الثانی با مهر و آبان، چون هوا در عربستان خیلی گرم بود به ماه‌های پاییزی ربیع می‌گفتند. آذر و دی که هوا سرد می‌شد و آب یخ می‌زد جمادی‌الاول و جمادی‌الثانی نامیده می‌شد. بهمن رجب بود و شعبان اسفند. چون از قشلاق به ییلاق می‌رفتند و شعبه شعبه می‌شدند. پس ماه شعبان با اسفند شروع می‌شد. ایرانی‌ها وقتی مسلمان شدند با خود گفتند ما مراسمی داشتیم و حالا که تقویم به هم خورده چکار کنیم؟ همان آیین اسفندی خود را به ماه شعبان بردند و ما شیعیان که اعتقاد به تولد امام زمان (عج) داریم آن را در سه روز پیش از میلاد امام غایب قرار دادیم. جالب اینکه نیمه شعبان برای عرب‌ها عید و روزی مقدس بود. در اسلام هم می‌گویند قبله در این روز سمت کعبه برگشت.

